

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد قراگوزلو  
۳۰ جنوری ۲۰۱۶

## مقاومت زندگی ست!

در تبیین چپستی یورش دولت ترکیه به کردستان

نسل کشی

یورش گسترده ارتش ترکیه به شهرهای کردستان و ارتکاب جنایات جنگی و نسل کشی به سادگی مؤید این نکته است که پیشروی دولت ترکیه برای چراغانی کردن "حرمسرای سلطان" اردوخان متوقف شده و الگوی نئولیبرالیسم اسلامی به بن بست رسیده است. دست کم طی یک دهه مدافعان حزب عدالت و توسعه با استناد به رشد اقتصادی ترکیه و ثبات نسبی سیاسی چنین تبلیغ می کردند که مدل جدیدی از دولت رفاه در منطقه شکل بسته است که توانسته ضمن تعدیل سنت های اسلامی با مدل سکولار حکومتی به تعارض ها و تناقض های لائیسیتۀ دوران جنرال ها پاسخ مقتضی دهد. از اگست ۲۰۰۱ که اردوخان از اربکان جدا شد و سال بعد به پیروزی مطلق انتخاباتی دست یافت تا ده سال، رشد اقتصادی ترکیه همچون چماقی به سر مخالفان فرود می آمد و این گونه وانمود می شد که تلفیق اردوخوانی مشی "عدالت و توسعه" می تواند گره از کار فرو بسته این دو مؤلفه در "جهان اسلام" بگشاید. این فقط جریان روحانی – نوبخت و اصلاح طلبان مشارکتی و ملی مذهبی نبودند که سودای تکرار الگوی ترکیه را در سویدای سیاست ایران دنبال می کردند؛ حتا لیبرال ها و سکولارها و سوسیال دموکرات های وطنی نیز مرعوب الگوی ترکیه شده بودند. و چنین بود که رویای تجدید بنای امپراتوری عثمانی از پستوی موزه های تاریخ سیاسی ترکیه بیرون آمد و بر تارک ستراتیژی حزب اردوخان نشست! این رویا و تمام جاه طلبی های متأثر از یک دهه پیشروی حالا به صخره خورده است. دوران افول دولت و حزب عدالت و توسعه فرا رسیده است. نئولیبرالیسم اسلامی در میانه راه شکوفائی به خنس خورده است. اضلاع شکست اردوخان و حزبش را در چند عرصه می توان ترسیم کرد.

**یک؛ اقتصادی.** واقعیت این است که با وجود درآمد پنجاه تا شصت میلیارد دلاری ناشی از صنعت توریسم و سودآوری صنایع نساجی و عایدات ناشی از خط لوله انتقال گاز روسیه به سینوپ از طریق بستر دریای سیاه و خط لوله باکو-جهان – تفلیس، رشد اقتصادی ترکیه متکی به سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI بوده است. این سرمایه گذاری اگرچه تولید ناخالص داخلی GDP را به نحو قابل توجهی افزایش داده و به ارتقای توان خرید عمومی و صعود رفاه و کاهش نرخ بیکاری انجامیده است اما به سادگی می توان گفت که رشد شدید بدهی خارجی External Debt تا حد ۴۱

درصد نسبت به GDP ترکیه را دچار کسری شدید موازنه حساب جاری CAB کرده است. واقعیت این است که ظرف ۸ سال (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱) بیش از ۳۰ هزار شرکت سرمایه گذاری غربی سرمایه ای بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار به اقتصاد ترکیه وارد کرده اند. در همین برهه تولید ناخالص داخلی از ۲۳۲ میلیارد دلار به ۷۳۳ میلیارد دلار رسیده و به گزارش WB و IMF به رتبه هجدهم جهان ارتقاء یافته است. در همین سال بدهی خارجی ترکیه ۳۰۸ میلیارد دلار بوده است. از این لحاظ اقتصاد ترکیه با افریقای جنوبی قابل قیاس است. سیاست جذب سرمایه خارجی ترکیه مبتنی بر این نظر اردو خان است که "پول، مذهب یا ملیت و قومیت ندارد." با این اوصاف و به دلایل پیش گفته، اقتصاد ترکیه وارد دوران افول خود شده است. فقط در سال ۲۰۱۵ بیش از یازده میلیارد دلار از صادرات کاسته شده است. نرخ تورم به ۸.۱۵ درصد رسیده و بیکاری در آستانه دو رقمی شدن است. این وضعیت در سال جاری وخیم تر خواهد شد. کافی است عوارض بحران در روابط روسیه - ترکیه در کنار ناامنی مراکز توریستی و میزان بدهی خارجی در این محاسبات لحاظ شود تا سرنوشت اقتصاد ترکیه در هاله ای از ابهام قرار گیرد. اما علاوه بر تبعات اقتصادی پیش گفته مسأله مهم شکست سیاسی "آ.ک.پ" در دو عرصه داخلی و خارجی است که اقتصاد این کشور را نیز متأثر خواهد کرد. من در این جا به رؤس این شکست اشاره خواهم کرد.

## دو. شکست در سیاست خارجی.

جنبش های نان و آزادی موسوم به بهار عربی در ابتدای راه و در متن نخستین تحولات سیاسی برای اردو خان و آ.ک.پ متحدین قدرتمندی به وجود آوردند. متحدانی که می توانستند مسیر امپراتوری نو عثمانی را هموار کنند. عروج اخوان المسلمین و قدرت گیری حزب عدالت و آزادی محمد مرسی پای اردو خان را به مصر باز کرد. اواخر شهریور [سنبله] ۱۳۹۰ اردو خان همچون سرداران فاتح در میدان تحریر قاهره حاضر شد و از همان جا برای **بشار اسد** رجز خواند. در همین برهه است که حماس از سوریه کوچ می کند و به مصر مرسی نزدیک می شود. دو ماه بعد خالد مشعل دست در دست محمد مرسی دستان رجب طیب اردو خان را در استانبول بالا می برند و از او به عنوان "رهبر جهان" اسلام یاد می کنند. مسعود بارزانی هم نخود این جمع است که هویت خود را زیر پای رهبر جدید جست و جو می کند. قطر نیز در کنار این ائتلاف نیرومند سیاسی ایستاده و هزینه خرید و فروش حماس را تقبل می کند. در تونس حزب راشد **القذافی** به قدرت می رسد که به آ.ک.پ نزدیک است و تحولات لیبیا بعد از قذافی - به زعم اردو خان - می توانست به ساز و کاری مشابه مصر بینجامد. تنها سوریه **اسد** باقی مانده بود که آن هم با پول عربستان و قطر و سازماندهی انواع و اقسام باندهای تروریستی به اهتمام ترکیه و اردو خان می باید به بلوک جدید ملحق می شد. اگر این قطب قدرت با حمایت عربستان و تأیید تلویحی اسرائیل و پشتیبانی امریکا حول مرکزیت ترکیه شکل می بست آن گاه **بحران هژمونی** منطقه نیز فیصله می یافت. در همین حال قدرت رقیب اصلی و منطقه ئی ترکیه یعنی جمهوری اسلامی نیز به راحتی قابل مهار بود. ج.ا. در جریان تنش سیاسی با غرب ضعیف شده و در نتیجه فشار تحریم ها توان اقتصادی اش را تا حد زیادی از دست داده بود. بعد از سوریه لایب کار عراق هم ساخته بود و لبنان و حزب الله هم با قطع شریان ارتباطی شان به سرعت محو می شدند. سناریو اما چنین پیش نرفت. ابتداء جنرال های مصری بند و بساط اخوان المسلمین را جمع کردند و ترکیه یک قدرتمند خود را از دست داد. اخوان تونس انتخابات را به سکولارها باخت. لیبیا به دولت مطلوب ترکیه و غرب دست نیافت. جمهوری اسلامی با امریکا به سازش رسید و به منطقه بازگشت و مهم تر از همه با ورود روسیه به جنگ سوریه کل معادلات اردو خان به هم ریخت.

بی شک **جنگ در سوریه** بزرگ ترین آوردگاهی است که در آن محاسبات اردوخان غلط از آب در آمده است. وقتی که شکست در سوریه با شکست در کوبانی جمع شود آن گاه عمق استیصال سیاست خارجی اردوخان و آک پ دانسته خواهد آمد. دولت ترکیه با حمایت بی پرده و مستقیم و عملیاتی و همه جانبه از داعش تمام تلاش خود را برای تلاشی مقاومت رزمندگان کوبانی به عمل آورد و از هیچ کوششی در این راه مضایقه نکرد اما مبارزه به راستی حماسی دسته های مدافع خلق تمام آمال های اردوخان و حزبش را در هم شکست. تبعات پیروزی مقاومت مردمی در کوبانی به سرعت در عرصه سیاست داخلی ترکیه اثر گذاشت. **عروج حزب اتحاد دموکراتیک خلق** ها به یک مفهوم از دستاوردهای درخشان مقاومت در کوبانی محسوب می شود. اردوخان و "آک پ" که گمان می زدند با انعقاد قرار داد صلح با PKK توانسته اند از رادیکالیسم مبارزه ضد استبدادی مردم زحمتکش بکاهند و این گرایش را سازشکار جلوه دهند با جلوه دیگری از مقاومت توده ئی و سازماندهی و خود مدیریتی دموکراتیک در شهرهای **باکور** (کردستان ترکیه) مواجه شدند. **باکور** که زمانی سر مشق روزآوا بود این بار در تعامل با کانتون ها به مکانی برای استقرار بطنی دموکراسی مستقیم تبدیل شد. چنین الگوی درخشانی می توانست **باشور** را نیز متأثر کند. بدین سان آک پ در همدستی آشکار با پارتی (دولت اقلیم و حزب ضد انقلابی بارزانی) جنگ علیه مردم زحمتکش کرد را شروع کردند. **در واقع این جنگ ناشی از شکست اردوخان در سوریه و کوبانی است.**

**سه. شکست سیاست های داخلی.** بعد از یک دهه قدر قدرتی نخستین شکاف و تزلزل در "آک پ" پس از یک سلسله اعتراضات گسترده در **پارک گزی** و **میدان تقسیم** (مه و اگست ۲۰۱۳) شکل بست. آن اعتراضات اگر چه قابل قیاس با حوادث منتهی به میدان تحریر قاهره نبود اما به هر حال بر چهره قدرت حاکم پنجه می کشید. رخنه عمیق اما به هنگام **انتخابات ۷ جون ۲۰۱۵** به وجود آمد. برای اولین بار اقتدار و مشروعیت و ثبات سیاسی اردوخان و کل تشکیلاتش در متن یک شکست انتخاباتی ترجمه شد. آک پ که آمده بود با کسب اکثریت مطلق پارلمان اساسی را به سوی یک دیکتاتوری تمام عیار و مادام العمر فردی تغییر دهد ناگهان به سد بلند حزب دموکراتیک خلق ها برخورد و در رقم ۴۱ درصد متوقف شد. رقمی که تنها می توانست در یک ائتلاف ناگوار با رقبای سیاسی - که بیش از رقیب و در حد دشمن بودند- به تشکیل دولت جدید بینجامد. به وضوح پیدا بود که اردوخان زیربار چنین ائتلافی نخواهد رفت. در نتیجه کثیف ترین تمهیدات سیاسی به شکلی تبهکارانه و جنایتکارانه در دستور قرار گرفت مگر اقتدار درهم شکسته با انتخاباتی زودهنگام جبران شود. **وقایع حد فاصل دو انتخابات ۷ جون و اول نومبر** به وضوح نشان داد که آک پ فقط حامی تروریست های داعش و النصره و ارتش آزاد نیست بلکه خود یک تروریسم عریان و به غایت خشن دولتی را نمایندگی و هدایت می کند. ظرف چهار ماه ارگان های نظامی و امنیتی حزب عدالت و توسعه انواع ترندها را به کار بستند و از هیچ جنایتی دریغ نکردند. از جمله:

\* **انفجار بمب** در جریان تظاهرات مسالمت آمیز جوانان عضو حزب سوسیالیست ستمدیدگان در تاریخ ۲۰ جون در شهرستان **سوروچ** نزدیکی مرز سوریه و کشته شدن ۳۴ انسان شریف که برای بازسازی کوبانی جمع شده بودند.

\* **انفجار** در میان تظاهر کنندگان بلوک صلح در آنکارا در تاریخ ۱۰ اکتوبر و کشته شدن ۱۰۲ نفر و متعاقب آن **یورش** به **دفاتر حزب دموکراتیک خلق** ها در آنکارا و ستانبول.

\* **تشدید فضای دو قطبی و ترک - کرد** و دامن زدن به تحریکات قومی و هویتی و ناسیونالیستی.

\* **شکستن** آتش بس با PKK و **حمله به قندیل** و سپس آغاز یک سلسله حملات زمینی و هوایی علیه پیشمرگان و شهرهای کردنشین.

"پیروزی" کذائی در انتخابات اول نومبر متعاقب این حوادث به دست آمد و گرچه به ایجاد یک دولت به اصطلاح یکپارچه انجامید اما کیست که از عمق شکنندگی این دولت با خبر نباشد.

در مجموع یورش وحشیانه به کردستان، محاصره شهرها (جزیره) گشتار در دیاربکر و سایر شهرهای کردستان که حتا صدای بی رمق سازمان های حقوق بشری را هم در آورده؛ اگر چه به بهانه مبارزه با PKK و داعش صورت گرفته است اما **پاکسازی قومی و نسل کشی** و قطع آب و برق و سوخت و دارو و کاربست سلاح های سنگین علیه مردم غیر نظامی و بی دفاع بیانگر بن بست همه سویه اردوخان و آک پ و شکست در عرصه های اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی است. این واقعیت یک سوی حوادث جاری در ترکیه است. سوی دیگر عروج چهره ها و شخصیت های توده ئی مانند **دمیرتاش و فیگن یوکسک داغ** و محبوبیت روزافزون تیپ های میلیتانت در میان مردم زحمتکش است. بی شک آک پ برای عبور از این بحران به تلاش های مذبحانه دیگری روی خواهد آورد و به جنگ علیه ساکنان مناطق کرد نشین و یورش به نهادهای مدنی و دموکراتیک و ترور رهبران سیاسی بسنده نخواهد کرد. تمهیدات و توطئه های لازم به منظور غیر قانونی کردن HDP از مدت ها پیش آغاز شده است. این که ترکیه در پیشبرد چنین سیاستی موفق شود یا نه، بستگی به عوامل مختلفی دارد که ارزیابی آن ها از حوصله این بحث بیرون است. **تجربه کوبانی** نشان داد که با تکیه به اراده توده های مردم می توان در برابر هارترین سازمان های تروریستی و دولت ها ایستاد. واقعیت این است که در صف بندی های جدید منطقه ئی هم HDP و هم PKK زیاد روی دولت روسیه حساب باز کرده اند. PKK از قدیم و ندیم با دولت های روسیه و ایران و سوریه ارتباط دور و نزدیک داشته است و از شکاف میان قدرت های منطقه ئی بهره برده است. در حال حاضر چنین سیاستی اگر به شکلی یک سویه و با چشم داشت به قدرت های پیش گفته پی گرفته شود می تواند در تقسیم بندی های امپریالیستی به راحتی جنبش مقاومت زحمتکش کردستان را قربانی کند. کردستان از این منظر به اندازه کافی متکی به فاکت و تاریخی پرپیشینه است. کنار گذاشتن HDP و سایر سازمان های سیاسی نظامی کرد از مذاکرات صلح سوریه با اصرار ترکیه و غر و لند بی ارزش روسیه نشان می دهد که روی میز مذاکرات قدرت های جهانی و منطقه ئی هیچ جای مناسبی برای احقاق حقوق کردها متصور نیست. از سوی دیگر با وجود عمق گرایشات ناسیونالیستی در HDP و PKK مسأله به سادگی این است که در نبرد جاری میان ترکیه و این سازمان ها انسانیت آزادیخواه هدف تعرض بربریت و فاشیسم قرار گرفته است. در نتیجه با وجود هر درجه ای از ناسیونالیسم در این سازمان ها حمایت از مقاومت مردم زحمتکش کرد علیه یورش و وحشیانه ارتش و پولیس ترکیه یک وظیفه بی تخفیف برای مردم آزادیخواه و سوسیالیست است. دوران افول امپراتوری تَرَک برداشته ترکیه اردوخان آغاز شده است. **مقاومت در کردستان با تکیه به اراده توده های زحمتکش پیروز خواهد شد.**

جمعه ۹ بهمن. [دلو] کرج

محمد قرآگوزلو